



«کوچ»؛ روایت رشد و تجربه‌های حاج قاسم در کودکی و نوجوانی

«کوچ» ساخته محمد اسفندیاری، اولین تجربه بلند سینمایی کارگردان است که در چهل‌وپهارمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد. فیلم با تمرکز بر دوران کودکی و نوجوانی شخصیت محوری داستان یعنی شهید قاسم سلیمانی، مسیری متفاوت در روایت‌های بیوگرافیک در سینمای ایران پیش گرفته است. برخلاف بسیاری از آثار این ژانر که روی لحظات اوج قهرمانی یا وقایع تاریخی حساس متمرکز می‌شوند، «کوچ» توجه خود را بر فرآیند شکل‌گیری شخصیت در دل کودکی و نوجوانی قرار داده است. این رویکرد باعث شده فیلم فضایی متفاوت داشته باشد و مخاطب با جزئیات کوچک زندگی حاج قاسم ارتباط برقرار کند که تاکنون چندان اطلاعی از آن نداشته است. درواقع قاسم سلیمانی به عنوان یک کودک روستایی در قنات‌ملک کرمان به مرور بزرگ می‌شود، تلخی‌ها و شیرینی‌های پیرامون را تجربه می‌کند که با بالاتر رفتن سن و نیاز مبرم مالی به شهر می‌رود تا کار پیدا کند، او در کار خود جدی است و پول سول‌انداز می‌کند تا مشکل مالی را حل کند. یکسری اتفاقات معمول و جالب از سوی یک شخصیت برجسته.



ساختار روایت فیلم بر پایه تعامل شخصیت شهید با خانواده، دوستان و جامعه کوچک پیرامون او شکل گرفته و این تعامل‌ها، مسیر رشد او را با ظرافت به تصویر می‌کشد. بازسازی فضاهای بومی و روستایی که محل وقوع داستان است، به‌واقع‌گرایی فیلم کمک کرده است و احساس همدان پنداری مخاطب را نیز تقویت می‌کند. تمرکز بر بیوگرافی متفاوت از شخصیت که او را متفاوت از سایرین تعریف نمی‌کند فیلم را از استانداردهای رایج سینمای بیوگرافیک متمایز کرده و نشان می‌دهد که این شخصیت بزرگ، پیش از رسیدن به اوج، در دل موقعیت‌های معمول رشد می‌کند. در واقع حاج قاسم از ابتدا یک سردار پراوازه نیست، بلکه او نیز زندگی معمول خود را دارد، مشکلات معیشتی او را از او می‌دهد و به شرایط کشور نیز از ابتدا آگاه نیست بلکه به مرور و با تجربیات مختلف و انسان‌های پیرامونش رشد می‌کند و فردی متمایز از انسان‌های عادی می‌شود نه آنکه از ابتدا این گونه باشد. از منظر اجرایی، فیلم بازی‌های قابل توجهی از بازیگران غیرطرح ارائه می‌دهد که به روایت انسجام و واقع‌گرایی می‌بخشد. پرداختن به لحظات معمول زندگی، به ویژه در تعامل شخصیت اصلی با خانواده و دوستان، پیوستگی احساسی روایت را حفظ کرده است. همچنین لوکیشن‌های فیلم و لپچه کرمانی نیز به جذابیت فیلم افزوده است.

در مجموع، «کوچ» تجربه‌ای موفق در ترکیب فرم بیوگرافیک و روایت متفاوت و واقعی از یک شخصیت بسیار ارزشمند محسوب می‌شود. اسفندیاری تلاش کرده را رشد و تحول حاج قاسم را در بستر زندگی معمولی و چالش‌های روزمره او با بیان ساده به تصویر بکشد و از این طریق، تصویری تازه از سینمای بیوگرافیک ایرانی ارائه دهد.



مهدی شامحمدی که دو سال پیش با فیلم «مجنون» نوبد ظهور یک فیلمساز دغدغه‌مند در حوزه سینمای مقاومت را داده بود، اسامال با «جانشین» (محمول انجمن سینمای انقلاب و دفاع‌مقدس) گامی بلندتر و استوارتر برداشته است. اگر «مجنون» به‌دلیل خاستگاه مستندسازی کارگردانش بیشتر بر تاسمفر و واقع‌گرایی بصری تکیه داشت، «جانشین» نشان‌دهنده بلوغ او در درام‌پردازی و قصه‌گویی است. بزرگ‌ترین دستاورد «جانشین»، ترسیم دقیق پرسوه «قهرمان شدن» است. شامحمدی این‌بار به سراغ «حسین املاکی» رفته است؛ فیلم با هوشمندی، املاکی را از ابتدا یک اسطوره دست‌نیافتنی تصویر نمی‌کند؛ بلکه ما با جوانی معمولی روبه‌رو می‌شویم که در دوره حوادث و در بستر عملیات «نصر ۴۰، مس وجودش به طلای ناب بدل می‌شود.

فیلمساز به درستی درک کرده است که برای ساختن یک قهرمان در دل جنگ و جهاد، نباید تنها به خاکریز اتکا کرد. «جانشین» با نقب زدن به خلوت قهرمان و نمایش دوران مجروحیت و زیست خانوادگی او، به شخصیت عمق می‌بخشد. همین توجه به حریم شخصی و نوع تعامل او با خانواده، تفاوت میان یک «پوستر

نگاهی به سریال «۰۲۴»

روایتی از حماسه‌های ناگفته

رسول شمالی ورننده

مجموعه تلویزیونی «۰۲۴» جدیدترین اثر رسانه ملی در حوزه دفاع‌مقدس است که این روزها روی آنتن شبکه یک سیما رفته؛ اثری که در میان خیل آثار مشابه، توانسته با رویکردی متفاوت به بازخوانی هشت سال ایستادگی و ولایت‌مداری ملت مقاوم ایران اسلامی بپردازد. سازندگان این سریال با تلفیق درامی خانوادگی و اجتماعی در بستر دهه ۶۰، تلاش کرده‌اند تصویری واقعی و عاری از شعارزدگی از حضور اقشار مختلف مردم در جبهه‌های نبرد حق قیلباطل و ایثار پشت جبهه ارائه دهند.



یکی از نقاط قوت برجسته «۰۲۴»، فضاسازی و طراحی صحنه هوشمندانه آن است. لوکیشن‌های نوستالژیک و حماسی آن دوران با ظرفیتی تحسین‌برانگیز بازسازی شده است؛ به طوری که نسل جوان که دوران دفاع مقدس را درک نکرده، به خوبی با فضای آن سال‌ها همدان پنداری می‌کند.

نکته قابل‌تأمل، حضور بازیگران جوانی است که علی‌رغم عدم درک مستقیم دوران جنگ، با هدایت درست کارگردان، توانسته‌اند حس و حال رزمندگان مخلص آن دوران را با بازی‌های خود متبلور کنند. دوربین «۰۲۴» فراتر از یک روایت صرف، به‌دنبال ثبت «آنی» معنوی جبهه‌هاست؛ به ویژه در بخش‌هایی که به ساختن قایق‌های عملیاتی در منطقه «هور» می‌پردازد، بیننده با زاویه‌ای بکر و ناگفته از نیوغ و مجاهدت رزمندگان آشنا می‌شود. هوشمندی نویسندگان و کارگردان اثر نیز در آنجاست که از لنز دوربین جبهه، فداکاری خانواده‌ها و مردم را به پشت جبهه را نیز از یاد نبرده‌اند؛ اما آن «۰۲۴» را از دیگر آثار متمایز می‌کند، بخش انتهایی هر قسمت است؛ جایی که فرماندهان و پیشکسوتان دفاع‌مقدس به عنوان شاهدان عینی، به روایت ناگفته‌های حماسی می‌پردازند. این پیوند میان داستان و مستند، نه‌تنها ضریب باورپذیری اثر را بالا برده، بلکه به تبیین دقیق‌تر تاریخ جنگ تحمیلی کمک شایانی کرده است. حضور چهره‌های شاخصی چون جعفر دهقان یا آن سابقه درخشان در سینما، به‌دنبال ثبت «آنی» معنوی جبهه‌هاست؛ به ویژه در بخش‌هایی که به ساختن قایق‌های می‌شود. همچنین انتخاب نیما نادی برای نقش اول و بهر‌هنگامی از توانمندی‌های میلا میرزایی، نشان از دقت در کسینتیک (انتخاب بازیگری) برای نزدیکی به چهره‌های واقعی رزمندگان دارد. بازیگران دیگری همچون حمیرا ریاضی، امید روحانی، بهرام ابراهیمی و سایر عوامل نیز توانسته‌اند پازل این اثر فاخر را به درستی تکمیل کنند. تاریخ دشمن و قهرمان، با وضاعت و امکانات محدود، آن هم در شرایطی که جبهه فرهنگی معارض به دنبال تطهیر دشمن و سینمایی آن دوران دفاع‌مقدس است، گامی مثبت تلقی می‌شود. با این حال، نباید به همین مقدار بسنده کرد. دفاع‌مقدس گنجینه‌ای تماشایی از سوزه‌های بکر است که هنوز بسیاری از آنها راهی به قاب تلویزیون نیافته‌اند. انتظار می‌رود سازمان صداوسیما در راستای مأموریت‌های خود در «جهد تبیین»، حمایت از فیلمسازان متعهد این حوزه را دوجندان کند تا نسل‌های امروز و فردا، حماسه‌آفرینی پدران خود را نه در تحریف‌های فضای مجازی، که در قاب صادق و هنرمندانه رسانه ملی به تماشا بنشینند.

تبلیغاتی» با یک «انسان تراز» را رقم می‌زند. ما در «جانشین» با قهرمانی روبه‌رو هستیم که عقلانیت، مدیریت بحران و ازخودگذشتگی‌اش نه از سر جودگی، که

ریشه در ایمانی آگاهانه و خانوادهمحور دارد. نمی‌توان از «جانشین» سخن گفت و به بازی درقت‌مند «آرمان درویش» اشاره نکرد. درویش در ۳۸سالگی، سخت‌ترین و حساس‌ترین نقش کارنامه خود را با مهارتی مثال‌زدنی ایفا کرده است. او توانسته است آن آرامش درونی و در عین حال صلابت حیدری شهید املاکی را در نگاه و لارزش صدایش متبلور کند. درک صحیح او از تفکر شهید، باعث شده تا نقش از حد یک تقلید بصری فراتر رفته و به یک «تجسد ملموس» بدل شود. در کنار او، بازی‌های پخته امیر آقایی و حضور متفاوت شکیب شجره، ویتزینی پربار از بازیگری را در جشنواره چهل‌وپهارم رقم زده است که قطعاً نگاه داوران را جلب کرده است.

از منظر تکنیکی، «جانشین» یک اثر سرحال و پرخون است. برخلاف بسیاری از آثار جنگی که در میانه راه دچار افت ریتم می‌شوند، این فیلم با شرعی کوبنده و جنگی، مخاطب را در محاصره اثر قرار می‌دهد و تا پایان در عملیات سنگین

مستند «هزار و یک روز انقلاب» با روایتی تطبیقی، به سراغ مفهوم انقلاب در تاریخ معاصر رفته و با مقایسه انقلاب اسلامی ایران با نمونه‌هایی چون آمریکا، فرانسه، روسیه و انگلستان، تلاش می‌کند تفاوت‌های بنیادین این تجربه تاریخی را در قالبی تحلیلی، اپیزودیک و قابل فهم برای مخاطب عمومی روایت کند.

در میان مستندهایی که به انقلاب اسلامی ایران می‌پردازند، روایت آثاری که یا در دام روایت‌های کلیشه‌ای می‌افتند یا از شدت شعاری بودن، مخاطب عام را پس می‌زنند، مستند «هزار و یک روز انقلاب» مسیر متفاوتی را انتخاب کرده است؛ مسیری که به‌جای تمرکز صرف بر وقایع داخلی، انقلاب اسلامی را در یک قاب تطبیقی و تاریخی قرار می‌دهد و آن را در نسبت با انقلاب‌های بزرگ جهان نیز می‌سنجد. این مستند با مرور تجربه انقلاب‌هایی چون آمریکا، فرانسه، روسیه و انگلستان، تلاش می‌کند نشان دهد مفهوم «انقلاب» در تاریخ سیاسی جهان همواره یکسان نبوده و هر انقلاب، رآزیده بستر فکری، اجتماعی و فرهنگی خاص خود است. روایت اثر از این منظر آغاز می‌شود که بسیاری از نظریه‌های کلاسیک انقلاب، برآمده از تجربه غربی یا شرقی خاصی هستند و تعمیم می‌واسطه آن‌ها به انقلاب اسلامی ایران، به خطای تحلیلی منجر می‌شود. جالب آنکه شباهت‌های زیادی میان سایر انقلاب‌ها وجود دارد درحالی‌که شاسمال انقلاب اسلامی ایران نمی‌شوند. درواقع انقلاب اسلامی یک انقلاب یگانه است.

یک روایت کلان از انقلاب اسلامی

یکی از امتیازهای اصلی «هزار و یک روز انقلاب» نوع روایت آن است. مستند، راوی انقلاب‌ها به‌عنوان کلی است و تفاوت‌های بنیادین آن‌ها با انقلاب اسلامی ایران را برجسته می‌کند. در این مسیر، مردم‌سالاری دینی و پیوند سیاست با دین، به‌عنوان دو مؤلفه متمایزکننده انقلاب اسلامی مطرح می‌شود؛ مؤلفه‌هایی که در انقلاب‌های کلاسیک غربی یا شرقی با غایب‌اند یا نقش‌های دارند و چه بسا می‌توان گفت نقش مردم در سایر انقلاب‌ها ناچیز بوده و همچنین عدم یک‌گتمان فکری قوی ضرزهننده بوده است.



بیبی که منفجر نمی‌شود

در کشاکش جنگ تحمیلی دوازده روزه، یک جتگنده ۴۳۵ فر فاز تهران یک موشک شلیک می‌کند. اما موشک با ورود به یک ساختمان و کمانه به سمت خیابان منفجر نمی‌شود.

انفجاری که می‌توانست سبب شهادت تعداد زیادی از مردم باشد. هجوم اما هیچ فرد نظامی یا دانشمند را هدف نداشت چرا که از این اشخاص هیچ‌کس در ساختمان حضور نداشته و شلیک به یک ساختمان معمولی از مردم و همسایگی بیمارستان حضرت فاطمه‌الزهر(س) صورت گرفته است. با منفجر نشدن این موشک اما روند تخلیه مناطق اطراف و خنثی‌سازی آن آغاز می‌شود.

نیم‌شب برگرفته از یک اتفاق واقعی

داستان فیلمی به نام «نیم‌شب» شند که محمدحسین مهدویان آن را کارگردانی کرده است و در چهل‌وپهارمین دوره از جشنواره فیلم فجر نیز به اکران رسید و توانست نگاه‌های مثبتی از مخاطبان و منتقدین دریافت کند. به‌طوری‌که نامزد سیمرغ مردمی شد و در رسانه‌ها نیز نظرات مثبتی دریافت کرد. حتی رسانه‌های زنجیره‌ای هم جرئت حمله بی‌حد و وصف را به فیلم نداشتند،

که تعداد بالایی دارند بایستی ذیل شخصیت و داستان خود به پیشبرد داستان و شکل‌گیری مفاهیم کمک کنند.

در فیلم اما شاهد اتفاقات و نمادهای زیادی هستیم که بر وحدت مردم و همراهی آنان در روزهای سخت حکایت دارد.

کادر درمان که در اوضاع بحرانی حاضر به ترک بیمارستان و بیماران خود نیستند، پزشکان و پرستارانی که در شرایط سخت فرزندی را به دنیا می‌آورند، معنادی که در پارک به دیگران کمک‌رسانی می‌کند، جوانان پارکورکاری که در بحران به نیروهای اجرایی بدل می‌شوند، جوانانی که برای خنثی‌سازی بمب حضور دارند اما می‌دانند که در لحظه امکان شهادت وجود دارد، راننده ماشین سنگینی که چندان اعتقادات مذهبی زیادی ندارد اما باز حاضر به فداکاری است، مسیحیانی که بدون تفاوت با مسلمانان در کنار هم کمک می‌دهند و خود مهدی به عنوان شخصیت اصلی که با وجود اوضاع پرفرج همسرش در بیمارستان اما آماده کار و فعالیت در میدان است.

برخی به این رفتار در فیلم سفارشی یا شعاری می‌گویند اما از نگاه آنان گویی تنها

فیلم‌هایی سفارشی و شعاری نیستند که کشور را در مجلاب مشکلات نشان دهند و یک عالمه انسان بدبخت که با یکدیگر درگیری دارند، ارائه شود. به‌خصوص دعواهای خانوادگی که متأسفانه هرحال شخصیت اصلی فیلم فردی به نام مهدی است که بایستی نقش کلیدی در عبور محله از این بحران ایفا کند. شخصیت‌های فرعی نیز

نصر؟ راه نمی‌کند. تنوع لوکیشن و تعدد موقعیت‌ها، مانع از خستگی چشم مخاطب می‌شود.

البته شاید منتقدان سختگیر، گوناگونی داستان و خرده‌روایت‌ها را عاملی برای کاهش انسجام ساختاری بدانند، اما از زاویه‌ای دیگر، همین تکرر است که به فیلم تنوع بخشیده و ابعاد مختلف زندگی یک فرمانده جنگی را به تصویر کشیده است.

دوربین شامحمدی در صحنه‌های نبرد، دوربینی گیج و سردرگم نیست؛ بلکه امنسفر جنگ را با رعایت اصول زیبایی‌شناختی سینمای استراژژیک خلق می‌کند.

در بخش فنی، «جانشین» نشان‌دهنده یک مهندسی بصری سنجیده است که متأسفانه در سینمای خموده و محصور در لوکیشن‌های تکراری تهران، کمیاست. تدوین فیلم در صحنه‌های عملیاتی، صرفاً قطعج نماها برای ایجاد هیجان کاذب نیست؛ بلکه نوعی «تدوین دیالکتیکی» است که میان التهاب خط‌مقدم و آرامش معنوی پشت جبهه، توازن برقرار می‌کند. تدوین‌گر با درک درست از ریتم «حیات جهادی»، اجازه نمی‌دهد ضرب‌آهنگ فیلم در بخش‌های خانوادگی افت کند؛ بلکه از آن برای نفس‌گیری مخاطب پیش از فینال سهمگین فیلم بهره می‌برد.

در مجموع «جانشین» یکی از آثار محترم و از ماندگارترین آثار دفاع‌مقدسی

نگاهی به مستند «هزار و یک روز انقلاب»



شورش صرف اقتصادی و نه انقلابی برآمده از برخی نظریات جامعه‌شناسان و اقتصاددانان از نقل‌قول‌های خطابی یا مونولوگ‌های مستقیم تاریخی و اجتماعی، این نکته را برجسته می‌کند که پیوند میان دین، رهبری کاربزماتیک و حضور فعال و جدی مردم در تمام عرصه‌ها، الگوی متفاوتی از انقلاب را شکل داده است؛ الگویی که در چارچوب‌های نظری رایج به‌سختی قابل توضیح است. پرداختن به این تناقض‌ها، از نقاط قوت محتوایی اثر محسوب می‌شود.

نگاه مستند امروزی

و مخاطب‌محور است

«هزار و یک روز انقلاب» تلاش کرده زبان خود را به زبان امروز نزدیک کند. ساختار روایت، پیچیدگی‌های نظری را به شکلی ساده و قابل فهم برای مخاطب عمومی بازگو می‌کند، بدون آن که به سطحی‌نگری برسد. همین ویژگی باعث شده مستند بتواند با طیف متنوعی از مخاطبان ارتباط برقرار کند؛ از علاقه‌مندان تاریخ گرفته تا مخاطبانی که آشنایی عمیقی با مباحث نظری انقلاب ندارند. اثر از موضع بازاندیشی به انقلاب نگاه می‌کند؛



نشت خبری نیم‌شب متفاوت شد

در دل تلاش‌های تئوریستی رسانه‌ای برای به اصطلاح تحریم کردن جشنواره فیلم فجر اما محمدحسین مهدویان تلاش کرد تا خلاف این جریان‌سازی‌ها حرکت کند.

او ابتدا خواست تا افراد بیشتری از عوامل در نشست خبری حضور پیدا کنند و برگزاری نشست با تعداد کم را صلاح ندانست. در ادامه یک مقدمه‌ه از نام ایران گفت اما پس از آن رسانه‌های زنجیره‌ای تلاش کردند با سوالات سوگیرانه او را وارد جنجال کنند. پاسخ به تکتک سوالات از مهدویان و والی‌زاد و همچنین سایر عوامل حاضر اما به‌گونه‌ای دیگر برای آن رسانه‌ها رقم خورد تا در نهایت او بتواند فضایی را شکل دهد که در تقابل با معاندین جریان‌ساز تحریم باشد.



یک دهه اخیر است. فیلمی که نه برای «کسب جایزه»، بلکه برای «تاریخ و هویت ایران» ساخته شده است. این فیلم ثابت می‌کند که اگر ابزار سینما در دست هنرمند متعهد قرار گیرد، می‌تواند پلی میان نسل‌های جدید و حماسه‌های فراموش‌نشدن دفاع‌مقدس باشد. «جانشین» نماینده شایسته سینمای تراز انقلاب در این دوره است؛ فیلمی که هم «عقل» را به تامل وامی‌دارد و هم «دل» را می‌لرزاند. شهید حسین املاکی با این فیلم، دوباره متولد شد تا به نسل امروز یادآوری کند که «جانشین» بودن در مسیر حق، بهایی به سنگینی جان دارد، اما پاداشی به وسعت ادبیت.

بیشتر از آرشیوهای مستند و واقعی می‌توانست پیوند تصویر و محتوا را تقویت کند.

«هزار و یک روز انقلاب»

اولین اثر علی صفارهرندی

مستند «هزار و یک روز انقلاب» که به نویسندگی و کارگردانی علی صفارهرندی و تهیه‌کنندگی علی صدری‌نیا تولید شده است؛ اثر ۵۶ دقیقه‌ای که پیش از این در شبکه‌های یک، چهار و مستند سیما پخش شده و مسیر متفاوتی در روایت انقلاب اسلامی نسبت به دیگر آثار مشابه در پیش گرفته است. صفارهرندی، متولد ۱۳۷۹ و دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی است و این پروژه اولین اثر جدی او است که به‌عنوان تجربه‌ای پژوهشی و تحلیلی در کارنامه او ثبت می‌شود.

در سمت تهیه‌کننده، علی صدری‌نیا نیز حضور دارد که از نسل مستندسازی‌ان است که پیش‌تر در روایت‌های پژوهش‌محور و با بهره‌گیری از روش‌های متفاوت روایت تجربه‌هایی را در کارهای رسانه‌ای به نمایش گذاشته است. صدری‌نیا پیشتر در گفت‌وگو با رسانه‌ها اشاره کرده بود که در این پروژه هدف تیم تولید، ارائه روایتی غیر کلیشه‌ای بوده و همین دیدگاه بتواند ساختار تحلیلی و تطبیقی مستند را تقویت کند، رویکردی که در انتخاب نمونه‌های تاریخی، فرم اپیزودیک و پرداخت به سخنان رهبر انقلاب نیز مشهود است.

یک مستند مفید

در تحلیل انقلاب هالیوودی

«هزار و یک روز انقلاب» را می‌توان یک تلاش جدی برای فهم عمیق‌تر مفهوم انقلاب و به خصوص انقلاب اسلامی و نسبت آن با سایر انقلاب‌های تاریخ دانست؛ تلاشی که انقلاب اسلامی ایران را از بسیاری آثار مشابه متمایز می‌کند. در نهایت، اثر بیش از آن‌که به دنبال اقناع احساسی باشد، تلاش بر اقناع تحلیلی دارد؛ رویکردی که برای مخاطبی که به دنبال فهم دقیق‌تر انقلاب و تمایزهای آن است، تجربه‌ای قابل تأمل فراهم می‌آورد.